



۲ ساحت شناختی (میدان نظریه تفسیر - تفسیری)

۳ فلسفه چستی ها و چرایی ها به چگونگی ها

۸ الگوی تدبیر اموال عمومی و سرمایه اجتماعی

۱۳ مبانی زبان شناسی فقه

۱۶ مهم ترین مسائل در حوزه پیشرفت سیاسی

۱۷ آیین نامه برگزاری کرسی های نظریه پردازی، نوآوری، نقد، ترویجی

خبرنامه داخلی

مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)

سال دهم، شماره دوم

خرداد و تیر ۱۴۰۱

به نام خداوندگار حکمت تغییر

پیش حکایت

در بسط فرانظریه اندیشه - عمل آینده نگار راهبردی رشد دین شناخت و در این راستا توسعه درونزای جهان معاصر ایرانی، نظام جامع برنامه مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) در عرصه های تحلیلی در قالب یک منظومه سازوکاری از فرآیند و روش، به شرح زیر پیش بینی شده است:

۱. در عرصه پارادایم پردازی مبنا در این فرانظریه، با این برترین مؤلفه های برنامه ای پیش رو در این عرصه با نظر به جهان جدید؛ ۲. اهتمام مستمر به نظریه پژوهی پیشرفت شناخت دین و دین شناخت رشد - توسعه و جریان بخشی پارادایمی این نظریه در راستای فرانظریه مزبور در متن جهان، حرکت و زندگی انسان معاصر در ضمن این منظومه سازوکاری کلان؛ ۳. در عرصه درونزایی جامع نگر و نظام واره قرآن شناخت و اوصیایی فرانظریه و نظریه رشد - توسعه آینده نگار راهبردی، در راستای بسط ایده و نظریه مبنای فقه نظام دین بر مدار نظریه سازوکاری تفسیر پیشرفت شناخت در دو میدان دادوستدی برجسته به مثابه قراری برای همه زندگی دانشی خویش؛ ۴. در عرصه سامان بخشی الگوی زیست اخلاقی و ارزش مدار در جهان جدید در پیوست با الگوی فقه نظام حکم و در برآیند آن رهسپار قانون نویسی برای مدنیت معاصر در راستای الگوی کلان فقه نظام دین؛ ۵. و اهتمام روشمند به فرآوری چهار عرصه پیشین در بستر فرآوری معادله دانش - قدرت، به مدد نظریه پردازی و بسط درونزای علوم انسانی - اجتماعی در پاسخ به مسئله های انسان و مدنیت معاصر؛ ۶. و برآیند بخشی آن نظام دانشی در عرصه آینده نگاری راهبردی در فرآوری معادله جامع خرده نظام های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جهان معاصر ایرانی در ذیل نظریه و نظام جمهوری اسلامی معیار برآمده از فرانظریه مزبور؛ ۷. و نشانگانی سازی این منظومه فرانظریه ای، اندیشه ای تا مدیریتی در تجربه ممکن هنر و تولید گفتمان بر مدار روش و فلسفه برگزیده به تدریج قابل برآمدن هر منوتیک حضور - وجود.

در این شماره گزارش های زیر پیش روی مخاطب قرار می گیرد:

۱. در گروه پژوهش های نظری و مطالعات مبنا، گزارش «ساحت شناختی (میدان نظریه تفسیر - تفسیری)» در دستور تأمل آمده است.

۲. در گروه پژوهش تفسیری با گزارش «تأمل تفسیری در سوره های گفتار چهاردهم»، «الگوی سامان بخشی نظام مدنی» با سوره نساء، «فلسفه چستی ها و چرایی ها به چگونگی ها»، با سوره انعام، «الگوی تدبیر اموال عمومی و سرمایه اجتماعی» با سوره انفال، «ترسیمی ابتدایی برای عیاردهی نظام تنزیل» و «روش شناسی تفسیری» مرور می شود؛

۳. در گروه پژوهش فقه و حقوق نیز گزارش «مبانی زبان شناسی فقه» پیش رو است؛

۴. در گروه تحقیق و توسعه و مطالعات راهبردی سه گزارش «چارچوب مفهومی - نظری پیشرفت سیاسی»، «ساختار فقه نظام» و «در گذار درونزای توسعه» در دستور تأمل است؛

۵. در گروه پژوهش های هنری گزارش «آیین نامه برگزاری کرسی های نظریه پردازی، نوآوری، نقد و ترویجی» معرفی می شود.

پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت

دبیر علمی: احمد آکوچکیان

در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنا، در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت، با نظر به دو دستاورد این گروه، گزارش «ساحت شناختی (میدان نظریه تفسیر - تفسیری)» در دستور تأمل آمده است.

زیستمانی انسانی و چه در سطح معقولات ثانوی فلسفی و منطقی (دانش‌های کشف شده و کشف نشده) در حوزه مورد توجه خود، باید نظریه‌اش را ارائه کند و تصویر شناختی خود را به دست دهد. در این ساخت تکمیلی، سلسله مراتب شناختی یادشده در ضمن برداشت (درک) از پدیده و طرح پژوهش، تحلیل داده‌ها و فرآیند تئوریزه کردن را به گونه‌ای دست‌خوش تغییر کرده و به نحوی صحیح‌تر ترسیم نموده است. در این ساخت تکمیلی با لحاظ متغیرهای زمینه‌ای مؤثر بر فرض‌های پژوهشگر، فضای حاکم بر نظریه‌سازی در عرصه شناخت تفسیری معلوم‌تر می‌یابد.

در این ساحت شناختی، دامنه نظریه به مثابه بردار دوم پیش رو می‌آید که در ساحت زیستمان تا ساحت حیات فردی، اجتماعی و تمدنی را پوشش می‌دهد. ساحت شناختی، برآیند این دو بردار است. میدان نظریه این‌گونه شکل می‌گیرد. منطق‌های معرفت، طریقت پیوست این دو بردار است. (مدار نظریه × میدان نظریه = ساحت شناخت)

با تأملی بر هرم بنیان‌های نظریه از پارادایم تا گفتمان، لازم به ذکر است «نظریه» ابزاری برای توصیف، تحلیل، درک، پیش‌بینی، تبیین و کنترل پدیده‌هاست. به گفته نیومن نظریه، سیستمی از ایده‌ها با انتزاعات به هم

مرتبط است که دانش در مورد جهان موضوع نظر را یک‌پارچه و سازمان‌دهی می‌کند. بنابراین نظریه‌ها را می‌توان تعمیم‌پذیری‌هایی تصور کرد که روابط میان پدیده‌ها را تبیین می‌کنند. هم‌چنین، به اعتقاد گلاسر و اشتراوس نقش نظریه عبارت است از: ایجاد

توان تبیین و میزانی پیش‌بینی از رفتار و کمک

به پژوهشگران و کارگزاران برای درک

وضعیت‌ها و تا حد ممکن کنترل و

مدیریت آن‌ها.

ساحت شناختی
میدان نظریه
تفسیر - تفسیری

در سلسله نشست‌های برگزار شده در راستای پیشبرد پروژه اجتهاد پارادایمی در تفسیر پیشرفت شناخت، در ذیل «جهان‌شناسی نظریه تفسیر - تفسیری»، ساحت شناختی (میدان نظریه) مورد بررسی قرار گرفت.

با پیشرفت فلسفه علم مانند بسط مبانی فلسفه دین و معرفت‌شناختی و آشنایی اندیشمندان با شیوه‌های جدید اندیشیدن در بسترهای اجتماعی و روان‌شناختی حاکم بر پژوهش، طرح پژوهش و نظریه‌پردازی، در دومین برش فرانظریه پیشرفت، تقسیم‌بندی جدیدی به نام مدارهای نظریه را ضمیمه خویش دارد که ضمن آن که تقسیم‌بندی اولیه (ساخت سلسله مراتبی پارادایم - پدیده) را دربردارد، نقش فضای حاکم بر پدیده را در شفاف‌تر کردن جهان معرفت

برجسته‌تر می‌کند. همان چیزی که در علوم قرآنی به نام جو و فضای نزول شناخته می‌شود و با روش تاریخی و معناشناسی تاریخی درصدد فهم برمی‌آییم.

این ساخت تکمیلی، فضایی را نشان می‌دهد که پژوهشگر (نظریه‌پرداز) با ورود به آن در ضمن سلسله مراتب شناختی قیاسی (در مناسبات پارادایم و جهان‌بینی تا واقعیت و پدیده) و استقرایی (واقعیت به جهان‌بینی و پارادایم)، چه در سطح شناختی معقولات اولی از «جامعه»، «خود» و «تمدن» و در کانون آن‌ها امر

گروه مطالعات تفسیری، در بخشی از تکاپوی دانشی خود، پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع تفسیری به متن نص (قرآن کریم و سنت اوصیایی) را در دستور هم‌اندیشی، پژوهش و تألیف دارد و برای نمونه، در این شماره گزارش «تأمل تفسیری در سوره‌های گفتار چهاردهم» به معرض نظر می‌آید و پنج گزارش «الگوی سامان‌بخشی نظام مدنی»، «فلسفه چیستی‌ها و چرایی‌ها به چگونگی‌ها»، «الگوی تدبیر اموال عمومی و سرمایه اجتماعی»، «ترسیمی ابتدایی برای عیاردهی نظام تنزیل» و «روش‌شناسی تفسیری» مرور می‌شود.

تأمل تفسیری در سوره‌های گفتار چهاردهم

در هر برهه‌ای از تاریخیت جامعه انسانی و عمر و زمان زندگی، چه در مرحله تبیین آغازین دین قرآنی و چه در مرحله صف و موضع‌داری در برابر جریان کفر و چه در گام برخورد و قتال بر مدار آن روح دین و جان‌مایه رسم زندگی در همه عرصه‌های زیستی در موضع‌داری همواره در برابر این خط کفر، مستند به آن روح و معیار رسم زندگی.

هرگونه موضع‌داری در برابر جریان‌های معارض دین الهیاتی در هر برهه‌ای از زمان و تاریخ عمر، جامعه و دوره تمدنی باید بر مدار رسم زندگی و ولایتمندی دین و این الگوی زندگی (عبودیت) باشد. انسان و جامعه‌ای که پذیرای روشن‌بین‌بودیت در متن زندگی و تاریخ خود و بدین‌سان فقه دین شد، می‌تواند پذیرای حکم، عبادت و فقه حکم باشد. جامعه‌ای که ولایتمندی آن بر مدار فقه حکم شکل گرفته باشد، نه امکان رهسپاری به مضمون زندگی را دارد و نه توانمند روبرویی با خط کفر است. جایگاه این سوره، هنگامی است که مخاطب به جریان کفر روی آورده و از آن‌چه برای او تبیین شده و به فهم روشنی از دین معیار رسیده است، عبور کرده و ناگزیر جدایی و خط معین و بریدن هرگونه پیوندی با او هستیم.

۲. رسم فرآوری خویش در متن غربت برآمده از رویش وجودی خود با سوره نصر

سوره نصر در مدینه و پس از پیروزی‌های پی‌درپی سیاسی و نظامی جامعه اسلامی نازل شده و یک خطای ترکیب میان دین و معنویت، دین و سیاست و معنویت و سیاست در حال اتفاق است. هدف سوره، پیشنهاد یک نظام راهبردی زیستمانی در برهه حرکت‌ها و پیشاهنگی‌ها در متن عینیت اجتماعی و مناسبات انسانی است که نتیجه آن داخل شدن فریب‌کارانه فوج مردم

در ادامه سلسله نشست‌های مروری سوره‌های قرآن کریم، سوره کافرون تا توحید مورد تأمل تفسیری قرار گرفت. در این گزارش به برخی نکات تفسیری این سوره اشاره می‌شود.

۱. ناگزیری رسمی برای همه زندگی با سوره کافرون

دوره آغازین دعوت رسول است؛ در هنگامی که هنوز توانمندی لازم برای برخورد مستقیم با دین کفر و بت‌های آن را ندارند. برخی از سران قریش چون ولید بن مغیره و عاص بن وائل به او پیشنهاد پذیرش متقابل آئین‌ها را دادند. این سوره، شش آیه دارد و در مکه و همراه دعوت‌ها و برخوردهای متعدد با جریان کفر و تعیین موضع و جدایی و صف‌بندی در برابر آن، درست در هنگام ضعف و ناتوانی جریان در حال شکل‌گیری اسلام محمدی به مثابه رسمی از رسوم تجربه فرصت و اصل مبنایی در مدیریت وضعیت و موقعیت در برابر جریان کفر، چه در موقعیت توانایی و چه در موقعیت ناتوانی به صورتی قاطع و با تأکید و صراحت نازل شده است.

هدف سوره، برحذر داری انسان و جامعه دینی در هر شرایط و موقعیت و در هر برهه تاریخی از برابری حق و باطل و دین اصیل با شرک و کفر و در این راستا نشان‌دادن عبودیت به مثابه روح دین و الگو و رسم زندگی و مرز و موضع معین، همواره

نیز در عرصه‌هایی از فکر فلسفی به میان می‌آید برهان‌های تذکری یا یادکردی است.

این سوره «اخلاص» نام دارد تا پاکیزه‌ساز توصیف این الهه معیار باشد. هدف سوره، توصیف کیستی الهه معیار هستی - زندگی در برآیندگیری همه دین و زیست دین دارانه، رهسپارسازی آدمی از حقیقت زیستمانی دین تا عمق زیستمان انسانی و هویت‌بخش کانون پیوست هستی با زندگی برای اصیل‌ترین بازیگری زندگی است. سوره، آسان و روشمند، پاکیزه‌سازی توصیف الهه زندگی را آموخته است؛ اما راه تا سوره بسیار است. این‌که دریابم، باور کنم و در جستجو باشم که کدام الهه، الهه هستی - زندگی و در نزدیک‌ترین و بلکه عمیق‌ترین نسبت با «من» زندگی است. این‌که در عمیق‌ترین تحلیل‌های خود از معنای هستی و زندگی، در بازخوانی همواره رنج‌ها و شادی‌ها، بو‌دها و نبوده‌ها، حتی در متن هجوم حادثه‌های سیاه، بازیگر اصلی دنیای من و جهت‌دهنده همه این حادثه‌ها، به سمت بالغ‌ترین امکان وجودی.

الگوی سامان‌بخش نظام مدنی

در نشست‌های تفسیر سوره نساء در تیر و خرداد ماه، ساختار کلان سوره بر اساس روش تفسیر هدی، مورد بازبینی قرار گرفت. در راستای بازخوانی هدف سوره، گفتنی است که نظام اجتماعی جامعه عصر رسول ﷺ شکل گرفته و دولت - ملت شکل گرفته آغازین، در تکاپوی فرآوری امر مدنی خویش است. در این مرحله، مستند به برآیند شکل‌گرفته در الگوی خودبانی رشد، سوره با هدف اصلی دست‌یابی به الگوی سامان‌بخش نظام مدنی و در آن مرحله خاص تاریخی شکل‌گیری شأن نزولی فقه مدنیت فراجنسیتی، نظریه جنسیتی و فراجنسیتی مدنیت جامعه هدف و به تعبیری فاعلیت فراجنسیتی تغییر و تحول از منظر مدنیت مقاصدی دین‌شناخت را به دست می‌دهد.

عصر مدنیت در دوره رسول بزرگ آغاز شده است و فاعلان خاص انسانی - و از جمله زنان -

میان‌داری نقش مدنی خود را آغاز کرده‌اند. نظام جامع پیشرفت دین‌شناخت و الگوی خودبانی

در پوست دین به نام دین در متن مناسبات انسانی، مناسبات مدنی و نظام حکمرانی و حکم‌روایی شده است و این فاعل معیار، دچار غربت در متن این ماجرای فوج‌فوج است.

۳. معیار باخت (خسارت) و رنج در زندگی با سوره مسد

تاریخیت زندگی در شخص‌ها جلوه می‌کند؛ اما شخصیت را نشان می‌دهد؛ شخص‌ها، مثال‌های رخداد شخصیت هستند، ابولهب دیروز باشد یا ابولهب امروز. با سوره مسد، سبک وجود و زندگی پیش رو است. این حکایت می‌تواند در وجود و شخصیت هر انسانی رخ دهد. ابولهب، نمونه یک امکان وجودی است که می‌توان آن گونه بود و می‌توان نبود.

این سوره پنج آیه دارد و علی‌رغم حجم اندک، برآیندی از نگرش فلسفه وجودی و روان‌شناسی شخصیت در سرجمع‌بینی حکایت مقایسه‌ای فرآوری انسان مکی با آن‌ها و کسانی است که پذیرای این مکتب زیستی نبوده‌اند و نیستند. سوره در مکه و در برآیندگیری مقایسه‌ای وضعیت وجودی آدم‌های ناپذیر انسان مکی با تربیت‌شدگان مکتب مکی قرآن کریم نازل شده است. ادبیات سوره در مثل «تب» و «حمالة الحطب» در فضای گفتمانی عصر رسول ﷺ در نمونه توهین ابولهب به رسول بزرگ با تعبیر «تبا لک» یا هیزمریزی ام‌جمیل، همسر ابولهب، در مسیر حرکت رسول، ذهنیت‌آشنایی را در عصر نزول از سوره پیش روی مخاطب می‌گذارد که اینک باید در ادبیات معاصر ترجمه مناسب امروز شود.

هدف سوره، آسیب‌شناسی چیستی، چرایی و چگونگی فروکاهشی سبک زندگی تا فروکاهشی سطح وجودی آدمی در درون خویش و رابطه‌های خویش در نمونه تاریخی ابولهب و همسر اوست.

۴. حقیقت زیستمانی دین تا عمق زیستمانی انسان با سوره توحید

سوره «اخلاص» چهار آیه دارد. یک بار در الهام پیش از نزول و یک بار در وقت وحی نازل شده است. در روایت کافی آمده است که این سوره و آیه‌های اول سوره «حدید» را خداوند برای آدم‌های ژرف‌نگری که بعدها می‌آید، نازل نموده است. شاید وقت فهم این سوره در این دوره و زمانه باشد. انبوه پرسش‌های انسان امروز، اشکالات و شبهه‌هایی که پیش رو آمدند و نیازمند پاسخی از سطح چیستی‌ها و چرایی‌ها به سمت چگونگی‌های زیستمان انسانی هستند.

خدا هست و نیازی به اثبات ندارد و هر کسی برای خود الهه‌ای دارد. کدامین اوصاف او، ژرف‌ترین میانه نسبت هستی و زندگی را به زیستمان رشد انسانی نزدیک می‌کند؟ اگر برهانی